

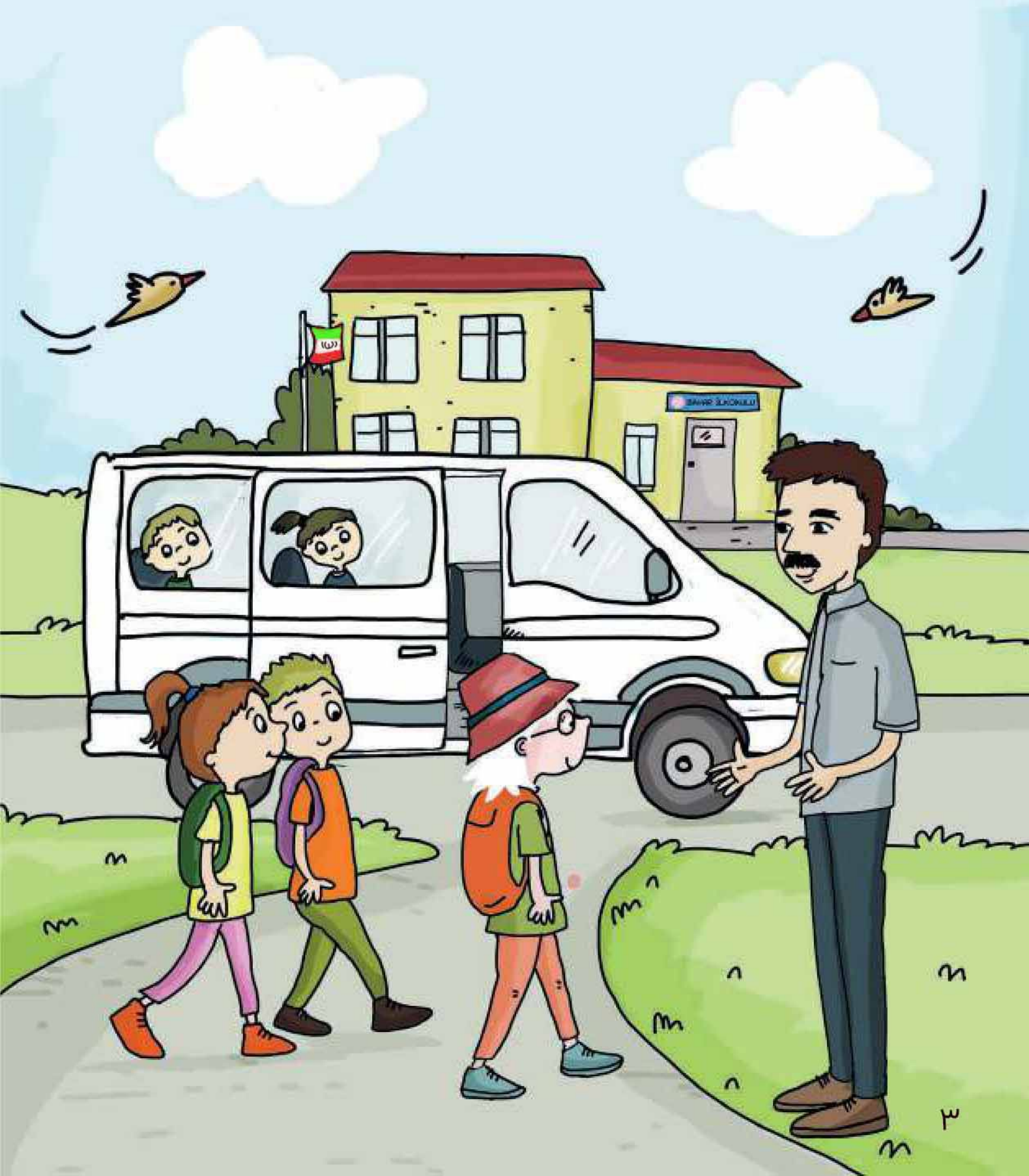
# ایینه های شگفتا نگی



مادرم گفت: <<آتوسا، دختر گلم، امروز هوا خیلی آفتابیه. به دست و صورتت کرم ضد آفتاب زدی؟>>  
گفتم: <<نگران نباش مامان، کرم ضد آفتاب زدم و کلاهم را هم گذاشتم.>>  
پانی کوچولو خداحافظ!>>



سرویس مدرسه هم رسید. امروز با هم کلاسی هایم به  
اردوی علمی میرویم.



مسئول مرکز آزمایشهای علمی جلوی در ورودی به ما سلام کرد  
و گفت: >>امروز شما را به اتاق آینه ها راهنمایی می کنم تا  
در آنجا آینه های شگفت انگیز را ببینید.<<

## مرکز آزمایشات علمی



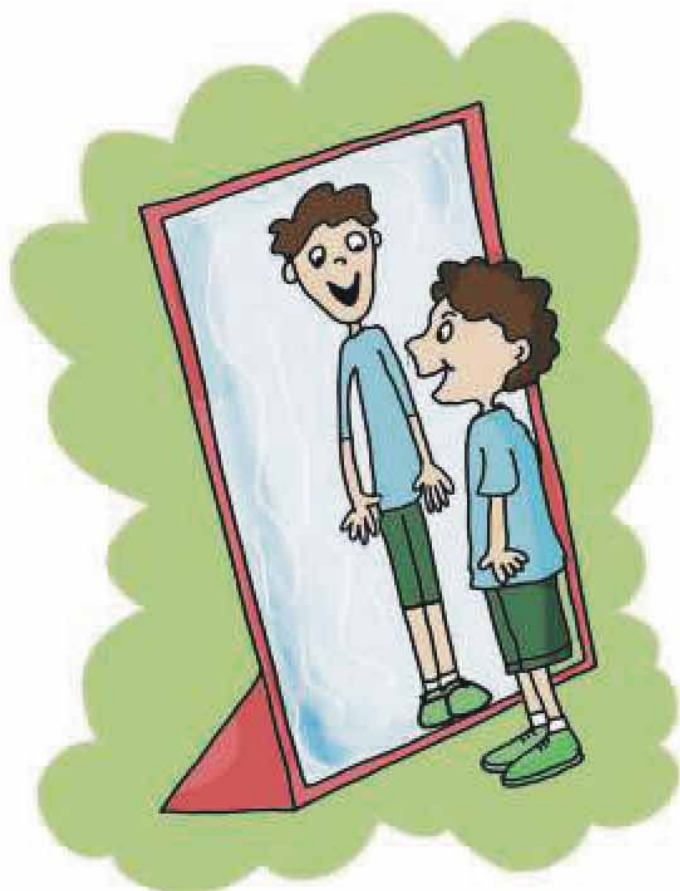
خانم مربی انواع مختلف آئینه ها را به ما معرفی کرد.  
کلی خندیدیم و خوش گذرانیدیم.  
از خنده روده بر شده بودیم.



”بچه ها آرش رو ببینید. چقد قدش بلند شده!“

”وای ببینید قد آرزو چقد کوتاه دیده میشود!“

”ببینید بهاره اینجا چقدر چاق است!“



علی گفت: ”وای بچه ها ، صورت پارسا را ببینید چقدر خنده دار شده است!“



پروانه از مربی پرسید: "خانم کریمی، چرا  
در این آینه ها متفاوت دیده میشویم؟؟؟"

"در واقع این سوالی بود که من هم می خواستم بپرسم."



خانم کریمی جواب داد: "ام!! می توانم برایتان  
اینطوری توضیح بدهم که:...."





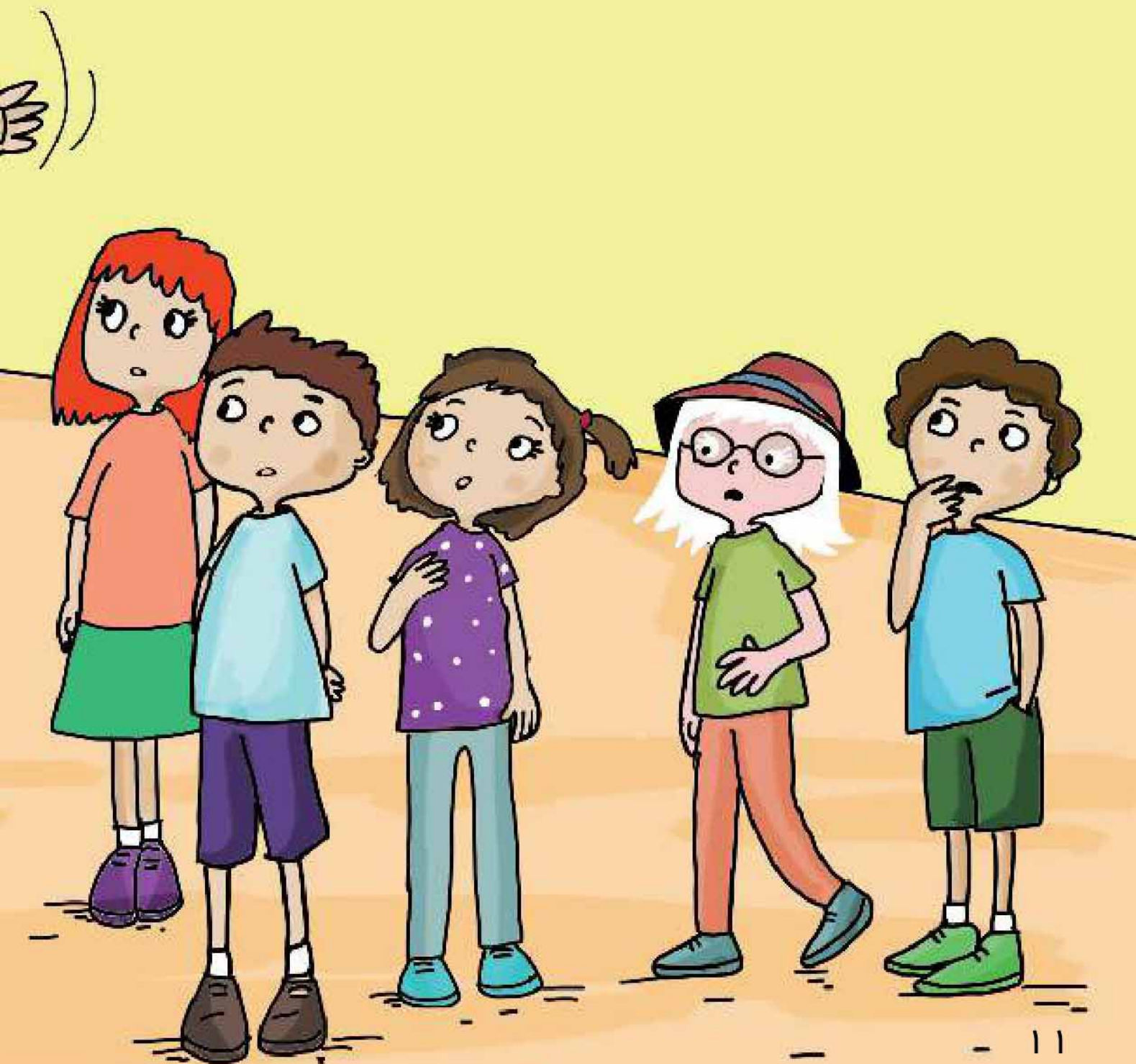
“همه شما میتوانید آن را در خانه امتحان کنید. قاشق غذا خوری را در دست خود بگیرید و سعی کنید به تصویر خود در قسمت برآمده یا بیرون قاشق نگاه کنید. میبینید که تصویر شما کوچکتر از خود واقعی شماست.”





“اگر به قسمت گود یا داخل قاشق نگاه کنید مانند آینه  
های فرو رفته تصویر شما را برعکس می کند و تصویر  
شما خیلی بامزه و جالب میشود.”

همه ی ما با تعجب به حرف های مربی گوش می دادیم.



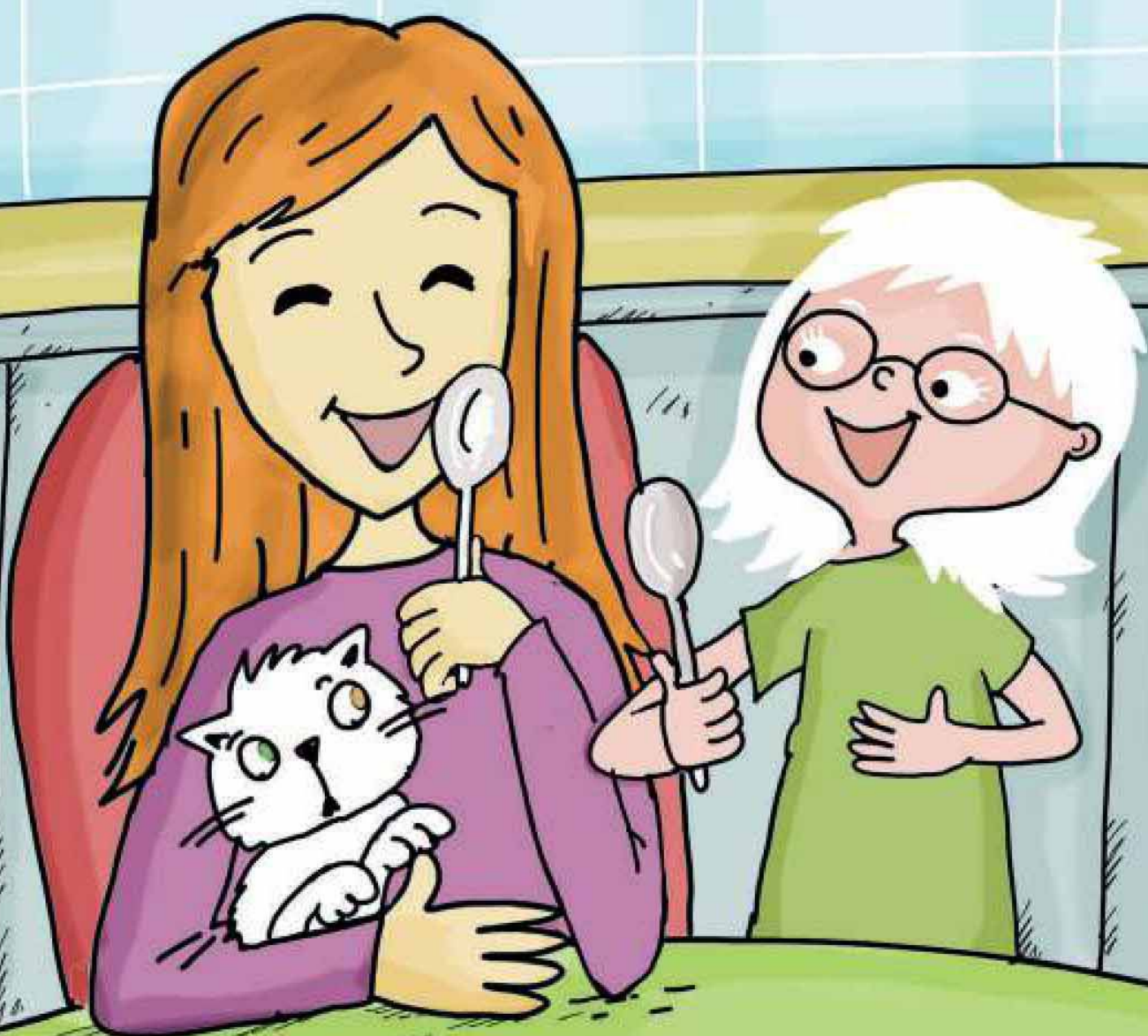
خانم مربی گفت: ”بچه ها حالا دیگر وقت رفتن است.“  
ولی هیچ کدام از ما دلمان نمیخواست که از آینه های شگفت انگیز جدا شویم.



بعد از برگشتن به خانه همه ما آنچه را که امروز در آینه های شگفت انگیز دیده بودیم با اشتیاق برای خانواده هایمان تعریف کردیم.



من هم تمام آنچه را که دیده بودم برای مادرم تعریف کردم. و گفتم: ”ماما، به این طرف قاشق نگاه کن. صورت من را میبینی؟ حالا طرف دیگر قاشق را ببین. بنظرت خنده دار نیست؟” بعد با مادرم به عکس خودمان در قاشق کلی خندیدیم...



“پانی بیا اینجا، میخوام با تو هم به عکس خودمان در قاشق نگاه کنیم.. پانی فرار نکن!!”  
پانی یک گربه پرشین است که موهای سفید بلند و چشمان رنگی زیبایی دارد.



شما تا حالا گربه پرشین دیده اید؟  
گربه های پرشین از زیبا ترین گربه هاست که یکی از  
چشمه‌های سبز و دیگری عسلی است.





دم پانی شییہ دم روباه ، دراز و پرپشت و نرم است و مدام  
در حال بازیگوشی است.



آیا می دانستید که گربه های پرشین تنها  
گربه هایی هستند که از آب بازی و شنا  
کردن در آب لذت می برند.



موهای پانی و موها و ابروها و مژه های من  
سفید هستند.

”خب حالا پانی کوچولو به قاشق نگاه کن...“





آن روز همه ما در خانه به تصویرهایمان در آئینه نگاه کردیم و اتفاقات  
آن روز را مرور کردیم.  
از آن روز به بعد من از نگاه کردن به آئینه بیشتر از قبل لذت بردم.